

متن پرسش

سروده‌ای نو از دلی کهنه: هزار سنگ به سر خورد و سر به سنگ نخورد / به نام عرشی تو گوشی‌ام که زنگ نخورد / میان اینهمه کفش سفید و مشکی و زرد / یکی به درد دو تا پای زخم و لنگ نخورد / چه عیب دارد اگر یک شبی نزول کنی؟ / بیا که از ازل این ماه را پلنگ نخورد / خدای حوصله‌دار است و ما عجل‌عجل / دلم به درد شکیبایی و درنگ نخورد / چرا شراب تو را جرعه جرعه نوشیدم؟ / هزار ننگ به نوشنده که قشنگ نخورد / کسی که از همه دل کند عشق بلعیدش / بدان که حضرت یونس! تو را نهنگ نخورد / نه ننگ راه تو است و نه نام مسلک تو / خوشا اگر دل ما مَهر نام و ننگ نخورد / خدا کند که نوازنده زخمه‌ای بزند / چه خاک سر کنم آن زخمه گر به چنگ نخورد؟ / برای داشتنت (صلح کل) ما دغل است / بمیرد آن دلکی که به درد جنگ نخورد / ۲۸ شهریور ۱۴۰۴

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! «صلح کل بودن» و انسان‌ها را دوست داشتن و تا آن‌جا که ممکن است کار آن‌ها را حمل بر صحت‌کردن؛ کار ساده‌ای نیست بخصوص که جهان یهودی‌زده، دغلکاری‌های خود را در زیر پوشش حقوق بشر پنهان می‌کند و انقلاب اسلامی به حکم رسالت جهانی اسلام آمده است تا سرنوشت جهان را به نور اسلام از آن نوع دغلکاری‌ها رهایی بخشد. موفق باشید